

نیروی دریایی راهبردی و توسعه سواحل مکران

هادی اعظمی، استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد^۱

طیبه فرشته منش، دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد^۲

چکیده

سی درصد از مرزهای جمهوری اسلامی ایران را مرزهای آبی تشکیل می دهند و این موضوع فرصت خوبی برای بهره برداری از دریاها برای آن فراهم کرده است. از سوی دیگر نیروی دریایی از دیرباز و به طور مستقیم به عنوان یکی از عوامل مهم نظامی که در خدمت اهداف و منافع اقتصادی، مورد توجه بوده است؛ به ویژه آن که در سده های اخیر، ابرقدرت ها به منظور حفظ سلطه خود بر جهان، سعی کرده اند تا با ایجاد یک نیروی دریایی قوی، امور نظامی و متعاقب آن امور اقتصادی جهان را تحت سیطره خود قرار دهند. اهمیت دریاها تا به آنجا برای ایران مطرح است که، مقام معظم رهبری نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران را به عنوان یک نیروی راهبردی معرفی می کنند و فوائد دریا برای یک کشور و یک ملت را فوائد راهبردی می دانند؛ فوائد بزرگ و کلان است. کسانی با تسلط بر دریا و دریانوردی در طول قرنهای پی در پی - تقریباً در طول چهار قرن - توانستند قدرت بین المللی خودشان را تا سرزمینهای دور دست گسترش دهند.

قدرت دریایی ارکان متعددی دارد ولی قطعاً مهم ترین رکن آن بعد نظامی آن می باشد که با برافراشتن و نمایش پرچم کشور در اقصی نقاط جهان به عنوان سفیر، نماینده و مظهر اراده ملی و پشتوانه ای آشکار و در عین حال صلح آمیز در حمایت از دیپلماسی و سیاست دولت متبوع خود عمل نموده که در صورت نیاز و ضرورت نیز توانایی اعمال قدرت در راستای به دست آوردن و حفظ منافع ملی در عرصه گسترده دریاها را خواهد داشت. در مقاله حاضر بر آنیم تا با روش توصیفی- تحلیلی به جایگاه نیروی دریایی در توسعه، کارآمدی و مطلوب کرانه سواحل مکران بپردازیم.

واژگان کلیدی: نیروی دریایی- سواحل جنوب شرقی- اقتدار ملی- منافع ملی

۱. مقدمه:

جمهوری اسلامی ایران با داشتن حدود ۲۸۰۰ کیلومتر مرز آبی و وجود منابع عظیم دریایی و موقعیت سوق الجیشی آن در منطقه و جهان، قدرت و سیادت دریایی به منظور حفظ و دفاع از مرزهای آبی و تاسیسات ساحلی، جزایر فلات قاره، ناوگان تجاری و بطور کلی تامین منافع جمهوری اسلامی ایران در استراتژی دفاعی کشور نقش تعیین کننده داشته و از اهمیت ویژه ای برخوردار است. نیازهای نیروهای مسلح به یگانهای شناور رزمی با توجه به نقش تعیین کننده ای که قدرت دریایی در سرنوشت جنگ تحمیلی و در مقابله با تهدیدات محتمل دیگر از ناحیه مرزهای جنوبی کشور وجود دارد متنوع، زیاد و در پاره ای موارد به علت فرسودگی، عدم تناسب و یا عدم کارآیی یگانهای موجود در برابر ضرورت های جنگ تحمیلی و تهدیدات بالقوه و ویژگی های دیگر نسبتاً عاجل و دارای اهمیت می باشد (وفایی زاده، ۱۳۷۱: ۶). جنوب شرق ایران با دارا بودن ظرفیت های ژئوپلیتیکی فوق العاده اقتصادی، امنیتی، دسترسی، ارتباطات منطقه ای و بین المللی واجد کارکردهای تولید کننده ی قدرت در کشور است که تا کنون آن طور که باید مورد توجه قرار نگرفته و با وجود دارا بودن پتانسیل های فوق الذکر که دیگر مناطق ایران فاقد چنین پتانسیل هایی هستند، یکی از عقب مانده ترین مناطق کشور به لحاظ اقتصادی، اجتماعی و محیطی محسوب می گردد. توسعه آینده کشور با توجه به موقعیت جغرافیایی و ساحلی دریای عمان وابسته به طراحی سیاست های کارآمد و استفاده ی بهینه از کارکرد این منطقه از کشور می باشد (حافظ نیا و رومینا، ۱۳۸۴: ۵). دریا در رشد زندگی و اقتصاد ملت ها اهمیت حیاتی دارد. منافع کشورهای صاحب دریا ارتباطی مستقیم با خواسته ها، نیازها، توانایی ها و فرهنگ آن ها دارد و در واقع، سیاست دریایی آن کشورها را عینیتی بخشد. این سیاست در قالب راهبرد دریایی تبیین می شود و اهداف اقتصادی، سیاسی و نظامی را دنبال می کند. موفقیت در دستیابی به اهداف مورد نظر، بستگی به توان به کارگیری نیروی انسانی، ابزار و تجهیزات و قوانین و مقررات در حد فراگیر دارد و همه این موارد، نهایتاً قدرت دریایی را به وجود می آورد. این تلقی منسجم از «قدرت دریایی» نشأت گرفته از شرایط خاص جهان پیشرفته امروز است. نیروی دریایی از دیرباز به عنوان یکی از عوامل مهم نظامی و اقتصادی، مورد توجه بوده است؛ به ویژه آن که در سده های اخیر، ابرقدرت ها به منظور حفظ سلطه خود بر جهان، سعی کرده اند تا با ایجاد یک

۱ - aazami@um.ac.ir

۲ - t_fereshtemanesh@yahoo.com

نیروی دریایی قوی، امور نظامی و اقتصادی جهان را تحت سیطره خود قرار دهند. گام برداشتن در مسیر راهبرد ملی به منظور دستیابی به اهداف کلان نظام جمهوری اسلامی، مستلزم برخورداری از امنیت در حوزه‌های مختلف است؛ امری که همواره دغدغه خاطر دولتمردان و کارگزاران نظام بوده است. برخورداری از امنیت ملی نیازمند برخورداری از قدرت ملی است. نیروهای مسلح در کنار سایر ارکان قدرت ملی، نقشی اساسی در برقراری امنیت ملی ایفا می‌کنند. برخورداری از امنیت ملی در حوزه دریا، مستلزم برخورداری از قدرت دریایی است؛ جایی که به شدت متأثر از تفکر دولتمردان، سیاست‌های کلان کشور و اهداف ملی است. برای کشوری دریایی مانند ایران که منافع، اقتصاد و امنیت آن با دریاها پیوند خورده است، برخورداری از راهبرد دریایی مناسب، حیاتی و الزامی است (www.tufannews.com).

۲. روش تحقیق:

روش تحقیق این مقاله توصیفی - تحلیلی است. همچنین اطلاعات مورد نیاز با استفاده از روش کتابخانه‌ای و با مراجعه به منابع معتبر، کتب و مقالات و استفاده از سایت‌های معتبر گردآوری شده است.

۳. مبانی نظری:

۳.۱ اقتدار ملی:

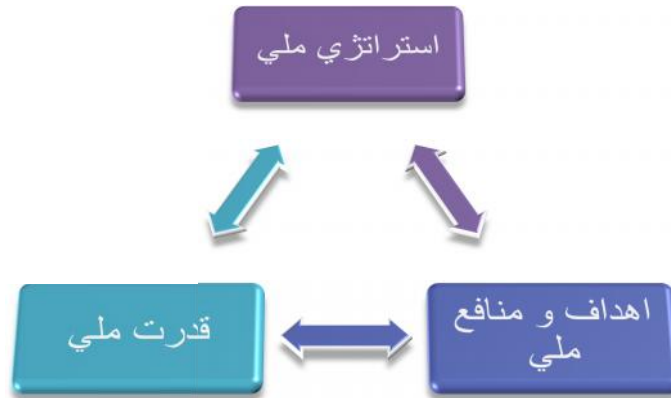
آنچه به عنوان "قدرت" در دنیای ژئوپلیتیک پست مدرن قابل ارزیابی است توان یک ملت در اعمال اراده ملی خود در درون و در ورای مرزهاست. آشکار است چنین شرایطی محقق نمی‌شود مگر اینکه آن ملت توانسته باشد به مجموعه‌ای از ابزارهای قانونی، سیاسی، اقتصادی و دفاعی دسترسی پیدا کند. این مجموعه مفهوم قدرت ملی را در اتکا به یک نظام حکومتی مردم سالارانه، توأم با اقتصاد پیشرفته، نیروی دفاعی ورزیده و مجهز که بتواند موازنه‌های لازم منطقه‌ای را واقعیت دهد و در چشم اندازی از خواسته‌های پسندیده ملی، منطقه‌ای و جهانی آن ملت پیگیری کند، تحقق می‌بخشد. بدین ترتیب اقتدار ملی را می‌توان در جمع آمدن اراده ملت نزد حکومت از راه انتقال قدرت رأی مردم به حکومت از طریق مکانیزم انتخابات برای اراده مقتدرانه سرزمین تعریف کرد (مجتهدزاده، ۱۳۸۶: ۷۹). قدرت ملی به عنوان مفهومی ژئوپلیتیکی یک ویژگی و صفت جمعی برای افراد یک ملت را منعکس می‌نماید و همزمان به عنوان یک صفت فردی در رابطه با یک کشور و یک دولت تجلی پیدا می‌کند. قدرت وقتی در قالب یک جامعه یا ملت نگریده می‌شود از برآیند توانایی‌های آن جامعه، قدرت عمومی و کلی آن پایدار می‌شود. بنابراین مجموعه انسانهایی که تشکیل ملتی را داده که در شکل یک کشور سازمان سیاسی پیدا کرده اند دارای قدرتی می‌باشند که از برآیند قوای ترکیب شده آنها بدست می‌آید و می‌توان آن را قدرت ملی آن کشور یا ملت دانست. در تعریف قدرت ملی می‌توان گفت، قدرت ملی عبارتست از: مجموعه‌ای از توانایی‌های مادی و معنوی که در قلمرو یک واحد جغرافیایی و سیاسی به نام کشور یا دولت وجود دارد. یا اینکه قدرت ملی عبارتست از: توانایی، قابلیت و ظرفیت یک ملت و یک کشور برای استفاده از منابع مادی و معنوی خود با هدف اعمال اراده ملی و تحصیل اهداف و منافع ملی. در واقع قدرت ملی خصلتی پویا دارد و در عین حال که به صورت هدف ملی تجلی پیدا می‌کند در واقع وسیله‌ای است در دست دولتها و رهبران سیاسی که از آن برای تحصیل هدفهای ملی و حفاظت و بسط آن استفاده می‌نمایند. در واقع قدرت ملی پدیده‌ای دو وجهی است یعنی هم وسیله‌ای است و هم هدف؛ وسیله‌ای است که دولتها و رهبران سیاسی از آن برای تحصیل اغراض سیاسی، اهداف ملی و امنیت ملی خود استفاده می‌کنند. شکل عینی و تجلی اصلی کاربردی قدرت ملی در استراتژی ملی است که از سوی رهبران سیاسی کشور برگزیده می‌شود. در استراتژی ملی الگوی بهینه کاربردی قدرت ملی توسط رهبران سیاسی برای دستیابی به اهداف ملی آنها متعین و متجلی می‌شود (حافظ نیا، ۱۳۸۴: ۲۵۳).

کارکردهای قدرت ملی:

قدرت ملی را باید قدرت یک موجود واحد به نام ملت یا کشور دانست که از سوی برگزیدگان ملت تحت عنوان رهبران سیاسی مورد بهره برداری قرار می‌گیرد. قابلیت‌های کارکردی قدرت ملی زیاد است و مهمترین آن تضمین تأمین خواسته‌ها و تمناهای ملت یا کشور است. خواسته‌های یک ملت نیز متعدد است و برآورده شدن آن تابعی از سطح و چگونگی قدرت ملی بویژه در مقایسه با سایر کشورهاست. اگر کشوری از قدرت ملی بالایی برخوردار باشد می‌تواند خواسته‌های خود را بدون مانع تأمین کند (همان: ۲۵۴). مهمترین کارکرد قدرت ملی کشورها، تأمین منافع ملی و حفاظت و بسط آن است. البته کیفیت و سطح تأمین منافع تابعی از سطح و کیفیت قدرت ملی آن کشور است، ولی در ایجاد ارتباط بین این دو متغیر عامل مهمی ایفای نقش می‌کند که از آن به "استراتژی" تعبیر می‌شود. استراتژی هنر رهبران سیاسی کشورهاست. آنها از یکسو به توانایی، قابلیت و سطح قدرت ملی خود نگاه می‌کنند و از سوی دیگر به اهداف و منافع ملی خود نظر می‌افکنند. سپس می‌اندیشند که چه تدبیر یا تدابیری در پیش گیرند که از طریق سطح و میزان قدرت

ملی خود بتوانند به حداکثر دستیابی اهداف و منافع ملی خود تحقق بخشند. بنابراین سه عنصر قدرت ملی، اهداف و منافع ملی و استراتژی ملی به یکدیگر مرتبطند و بر هم اثر می گذارند.

مدل شماره ۱: رابطه قدرت، منافع و استراتژی ملی (حافظ نیا، ۱۳۸۴: ۲۵۶)



۳,۲ منافع ملی:

مجموعه ای از همه پدیده ها و عناصری که در حفظ بقا و بهتر زیستن یک ملت نقش آفرین است "منافع ملی" آن ملت یا کشور خوانده می شود. این پدیده ها و عناصر در برگیرنده همه بارزه های موجودیت ملی یک کشور است. از سرزمین و مرز گرفته تا اقتصاد و سیاست و عوامل فرهنگی و امنیتی موثر در پدید آمدن، دوام یافتن و نیرومندتر شدن آن ملت و هویت ملی و نقش آفرینی های داخلی، منطقه ای و جهانی، همه و همه در مفهوم منافع ملی یک کشور جای دارد. پروردن زمینه و گسترده پهنه منافع ملی در داخل کشور جنبه ای جغرافیایی - سیاسی دارد و زیربنای اصلی راهبردی سیاست های داخلی هر کشور را شکل می دهد. در حالی که دفاع از منافع ملی و پروردن عناصر بهره دهنده منطقه ای و جهانی آن جنبه ای ژئوپلیتیک دارد و اندیشه زیربنایی سیاست خارجی هر کشور است. حضور دو عنصر یا دو پدیده در منافع ملی حتمی است. یکپارچگی سرزمین و منافع اقتصادی کشور با همه موارد و مسائل امنیتی مربوط به آنها حتی ایدئولوژی حکومت را نیز می توان نسبت به دیگر پدیده های تشکیل دهنده منافع ملی اولویتی ویژه قرار داد (مجتهدزاده، ۱۳۸۶: ۸۰). آنچه تحت عنوان «منافع ملی» مطرح می شود، حاصل تأسیس واحدهای ملی است که «منافع» را در قالب «ملی» به هدف اصلی سیاست خارجی دولتها تبدیل ساخته است (رنجبر). «منافع ملی» مفهومی است مرکب از «منافع» که جمع منفعت و به معنای سود است و «ملی» که منسوب به ملت است. یعنی منفعت هایی که در یک محدوده جغرافیایی «سرزمینی» مربوط به ملت (مردم) می شود و می تواند ابعاد وسیعی را در برگیرد. در تعریف منافع ملی ابعاد و عناصر گوناگونی در نظر گرفته می شود که می توان گفت «تعریف منافع ملی بر سه اصل استوار است: یکی امنیت ملی، دیگری رفاه ملی و سومی عرق یا شخصیت ملی. این تعریف در همه جای دنیا پذیرفته شده است. فقط پارامترهای مادی در تعریف منافع ملی به کار نرفته است. عرق ملی هم جزء منافع ملی است و منظور از آن ایدئولوژی یا افکار و اندیشه هایی است که باعث انسجام یک ملت می شود و به آنها هویت و شخصیت ملی می بخشد. باز هم در همه کشورهای دنیا این طور است که به هیچ وجه حاضر نیستند بر سر موضوع سوم معامله بکنند. زیرا این امر ارتباط مستقیمی با ایدئولوژی و ارزش های یک ملت دارد که هویت ملت ها را می سازد و به آنها اقتدار و قدرت می دهد تا بتوانند در عرصه نظام بین الملل با حفظ هویت و شخصیت ملی خود حضور یابند. از این روی است که ملاحظه می شود منافع ملی با امور اجتماعی در جوامع ارتباطی مستقیم دارد که دارای انواعی است که مهم ترین انواع آن شامل «وحدت ملی»، «امنیت ملی» و «قدرت ملی» است (روزنامه کیهان، ۱۰/۴/۸۲).

۳,۳ نظریه قدرت دریایی:

این نظریه از سوی آلفرد تایلر ماهان (۱۹۱۴-۱۸۴۰) دریا سالار آمریکایی ارائه گردید. ماهان معتقد بود که قدرتهای اقیانوسی همیشه دست بالا را خواهند داشت. ماهان حدود ۴۱ سال در نیروی دریایی آمریکا خدمت کرد. او فضاهای دریایی و اقیانوسی را در شکل گیری قدرت دریایی و تولید قدرت جهانی و کنترل و محاصره قدرت بری موثر می دانست. چهار جنبه فضائی - جغرافیایی در سطح کره زمین بر شکل گیری تفکر ژئوپلیتیکی ماهان تأثیر گذاشت.

- ۱- گستردگی و پیوستگی بدنه های آب در سطح کره زمین که می توانست به شکل گیری یک سیستم پیوسته متحرک بر سطح آن کمک کند.
 - ۲- وجود پهنه خشکی یکدست و بدون دسترسی به آنها در خشکی اوراسیا که فقط از طریق اقیانوس منجمد شمالی به اقیانوسهای جهان راه داشت.
 - ۳- وجود زبانه ها و لبه ها (کرانه های) خشکی و متصل به آنها در حاشیه اوراسیا شامل اروپا، جنوب اروپا و جنوب شرق آسیا و غیره.
 - ۴- وجود موقعیتهای گسسته خشکی، مجزا از اوراسیا و در داخل آنها شامل سه مجموعه ژاپن، انگلیس و آمریکا.
- در مقایسه قدرت دریایی و خشکی، ماهان قدرت خشکی را محاصره شده از سوی یک قدرت دریایی تصور می کرد. ماهان معتقد بود که انگلیس بعنوان یک کشور دریایی از چنین امکانی برخوردار بود. آمریکا نیز می توانست قدرت دریایی برتر باشد زیرا از موقعیت جغرافیایی امنی برخوردار است و به دو اقیانوس راه دارد و از دسترس سایر کشورهای بزرگ دور است ولی می بایست جزایر هاوایی را در کنترل خود گیرد و کانال پاناما را نیز احداث کند. ماهان برای تبدیل شدن یک کشور به قدرت دریایی شرایط شش گانه زیر را پیشنهاد کرد:

۱. موقعیت جغرافیایی کشور: مجاورت یک کشور با یک یا چند دریا که بر دسترسی برای حمل و نقل، کنترل راه های استراتژیک و پایگاه ها و غیره موثر است.
۲. وضع طبیعی ساحل: ساحل دارای پناهگاه، بر تجارت دریایی، ایجاد بندرگاه، نیروی دریایی و غیره موثر است. سواحل دارای پناهگاه و عمیق منبع ثروت و قدرت هستند البته باید در شرایط جنگی قابل دفاع باشند.
۳. گسترش ساحل: باعث تماس بیشتر کشور با آب ها شده و دسترسی را افزایش می دهد ولی سواحل قابل دفاع و قابل بهره برداری اهمیت دارند.
۴. اندازه جمعیت: افراد کشور هر چه بیشتر باشند در تأمین قدرت دریایی و نیروی سرباز موثرتر است.
۵. شخصیت ملی: وجود روحیه دریانوردی، علاقه به توسعه روابط با سایر ملل و تجارت گسترده و صلح آمیز برای توسعه قدرت دریایی گام اساسی است.

وضع سیاسی دولت: کیفیت نظام سیاسی و دولت در توجه به قدرت دریایی، بهره برداری از جمعیت، منابع و فرصتهای موجود تأثیر داشته و می تواند به افزایش قدرت دریایی کمک کند(حافظ نیا، ۱۳۸۴: ۲۵۱).

۳,۴ نیروی دریایی:

نیروی دریایی هر کشور، یکی از اجزاء نیروهای مسلح بوده که در زمان جنگ، علاوه بر این که از صنعت و تجارت دفاع می نماید. با انجام مأموریت های دفاعی یا تهاجمی، قسمت مهمی از عملیات نظامی و جنگی را نیز انجام می دهد. با وجود سلاح های مدرن در زمان جنگ، هر ملتی با خرابی ها و انهدام کارخانجات و مراکز صنعتی روبرو می شود و ملتی می تواند با این خسارات مبارزه نماید که بتواند به نوعی آنها را جبران کند. یعنی در زمان جنگ در مواردی لازم است که افراد، تجهیزات و همچنین نیازمندی های پشت جبهه از نقطه ای به نقطه ای دیگر از طریق دریاها منتقل گردند و یا از راه دریا به مواضع دشمن رخنه شود. (برای مثال در جنگ جهانی دوم، بزرگ ترین حملات از راه دریا و از طریق پیاده کردن قوا در سواحل دشمن، انجام گردید. این مانورهای حساس و بینان کن فقط با قدرت های عظیم دریایی، محقق گردید). در زمان جنگ، ناوگان تجارتي و نیروی دریایی، وابستگی بسیاری به یکدیگر دارند، زیرا ناوگان جنگی خطوط ارتباطی و مواصلاتی خود را حمایت می نماید و در صورت نیاز، به خطوط دشمن رخنه می کند و ناوگان تجارتي در پناه قدرت آنان، آذوقه و تدارکات جنگی سربازان و جنگ آوران خود را در سرزمین دشمن، تأمین می نمایند. (بستن خطوط مواصلاتی دشمن و تأمین آزادی عمل در خطوط مواصلاتی خودی)

عوامل مؤثر در قدرت نیروی دریایی در آغاز پیدایش آن عبارت بودند از:

- (۱) موقعیت جغرافیایی کشور.
- (۲) روحیه مردم.
- (۳) جمعیت متمرکز در یک منطقه.
- (۴) شرایط فیزیکی منطقه.

۵) ثروت ملی.

۶) وسایل و امکانات.

استفاده نظامی از نیروی دریایی در جنگ‌های جهانی به‌ویژه جنگ جهانی دوم کاملاً محسوس بود برای مثال: بریتانیا برای ادامه جنگ و حیات خود به دو علت به دریا وابستگی داشت:

الف- دریافت تجهیزات نظامی مانند هواپیما، کشتی، توپ، تانک، خودرو، مهمات، اقلام عمومی و مواد خام صنایع از آمریکا که از طریق شمال اقیانوس اطلس حمل می‌گردید.

ب- دریافت نفت و مواد خام صنایع از مستعمرات شرق کانال سوئز و خلیج فارس که موجب تداوم حیات او بود و این مسیر «خط زندگی» نام داشت. نیروی دریایی سلطنتی (Royal Navy) که در اوائل جنگ با توجه به وجود تهدید حملات ناوگان جنگی آلمان به سواحل بریتانیا، وظیفه خویش را گشت‌زنی و حفظ حاکمیت بر آب‌های سرزمینی و دفع تجاوز احتمالی دشمن قرار داده بود برای حمایت از خطوط مواصلاتی که شاه‌رگ حیاتی (Life Line) انگلستان بودند صرفاً تا محدوده معینی اقدام به اسکورت کشتی‌های ورودی و خروجی به محدوده آب‌های انگلستان می‌نمود. چرا که برای انجام یک اسکورت کامل و صحیح در تمام خطوط کشتیرانی نیاز به یک ناوگان قدرتمند و دارای تجهیزات فراوان از جمله کشتی‌های جنگی به تعداد کافی بود و این چیزی بود که نیروی دریایی سلطنتی به تعداد کافی در اختیار نداشت. هیتلر که از حملات هوایی اش به انگلستان نتیجه‌ای نگرفته بود به تدریج حمله به خطوط کشتیرانی و قطع خطوط مواصلاتی انگلستان را که از آغاز جنگ توسط نیروی دریایی ارتش رایش سوم به اجراء در آمده بود تقویت کرده و توجه بیشتری به این مسئله نمود. نیروی دریایی آلمان که بندر اصلی استقرار یگان‌هایش بندر کیل (KEIL) واقع در دریای بالتیک بود برای دسترسی به اقیانوس اطلس (جایی که می‌بایست خطوط مواصلاتی انگلستان را قطع می‌کرد) از تنگه اسکارژاک (بین کشورهای دانمارک، نروژ و سوئد) گذشته و پس از عبور از دریای شمال از یکی از دو مسیر کانال مانش یا آبراه‌های شمالی اسکاتلند عبور نماید و همین مسئله یکی از محدودیت‌های اصلی نیروی دریایی آلمان در دسترسی به اقیانوس اطلس بود.

نیروی دریایی آلمان از لحاظ تعداد ناوهای جنگی و تجهیزات قابلیت برابری با نیروی دریایی انگلستان را نداشت ولی حملات آلمان به کاروان‌های حامل آذوقه و تجهیزات انگلستان توانست ظرف مدت کوتاهی تعداد قابل توجهی از کشتی‌ها را منهدم نماید. سلاح اصلی آلمان‌ها برای غرق کشتی‌ها، استفاده از زیردریایی‌های یوبوت (U-Boats) بود که از این سلاح به‌خوبی استفاده گردید (www.aja.ir).

سواحل جنوب شرقی:

سواحل جنوب شرقی در تجارت بین‌المللی، مدیریت سواحل و صنایع دریایی نقش قابل توجهی را دارند. شناخت این سواحل جهت توسعه و ساخت سازه‌های دریایی مانند اسکله‌های سوخت‌گیری، صیادی، تجاری و بندر ساحلی و دور از آلودگی‌های زیست‌محیطی، بسیار حائز اهمیت است. منطقه با آب‌های آزاد در ارتباط می‌باشد و نقش مهمی در تجارت دریایی دارد. (احراری رودی و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۸۹). مکران به دویخش ساختار بیرونی (ساحلی) و درونی (داخلی) تقسیم می‌گردد. مکران شامل کوه‌های شرقی-غربی است که از سواحل دریای عمان تا فرو افتادگی جازموریان ادامه دارد. مرزهای غربی این کوه‌ها توسط خط عمان (گسل میناب) از زون برخوردی زاگرس جدا شده و در شرق پس از گذر از بلوچستان پاکستان تا محور لاس بلا (LasBela) ادامه می‌یابد. به طور کلی می‌توان گفت از ۱۶۰۰۰۰ کیلومتر مربع گستره مکران حدود ۷۰۰۰۰ کیلومتر مربع آن در ایران و بقیه در پاکستان است. (همان: ۲۹۱). خلیج‌های نوار ساحلی دریای مکران از شرق به غرب با ساختاری نسبتاً یکسان (خلیج گواتر، خلیج چابهار و خلیج پزم) قرار گرفته‌اند. این سه خلیج از طریق شاخه‌هایی به صورت خور و یا مصب با محیط خشکی در ارتباط هستند که این مسئله باعث ارتقای شرایط حاکم به این منطقه شده است. (همان: ۲۹۳). ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی جنوب شرق ایران و سواحل عمان عبارت‌اند از:

۱. ظرفیت‌های ارتباطی:

الف: حمل و نقل:

- ۱- حمل و نقل دریایی
- ۲- حمل و نقل جاده‌ای
- ۳- حمل و نقل ریلی
- ۴- ارتباطات هوایی

۵- ارتباطات الکترونیکی

ب: خروج ایران از تنگنای ارتباطی دریایی با استفاده از سواحل دریای عمان

ج: ترانزیت کالا و اتصال افغانستان، آسیای مرکزی و روسیه به دریاهای آزاد و سایر مناطق جهان و بالعکس

۲. دسترسی به اقیانوس هند و آب های آزاد با پتانسیل های مختلف:

- ۱- پتانسیل سیاسی و بین المللی
- ۲- پتانسیل اقتصادی
- ۳- تأسیس و توسعه منطقه آزاد و تبدیل فضای ساحلی به پارک های تجاری و مراکز دادوستد
- ۴- استقرار پارک های صنعتی ملی
- ۵- ایجاد و توسعه بندرگاه بین المللی برای ارائه خدمات ناوبری به کشتی های بزرگ در مسیر بین المللی و بین اقیانوسی
- ۶- امکان سازی تبدیل ایران به قدرت دریایی

الف: قدرت نظامی

ب: تجاری (کشتیرانی)

ج: علمی (اقیانوس شناسی)

۷- تولید انرژی

۳. ظرفیت های ژئواستراتژیک

- ۱- کنترل استراتژیک مسیرهای بین المللی
- ۲- عمق استراتژیک
- ۳- ظرفیت سازی تشکیل سازه های عملیاتی و دفاعی اقیانوس پایه (حافظ نیا و رومینا: ۱۳۸۴).

۴. یافته های تحقیق:

در جهان نقاط خاصی وجود دارد که تسلط بر آنها به طور ویژه ای موجب افزایش قدرت و ثروت یک کشور می شوند. بسیاری از صاحب نظران از تفوق ژئواکونومی بر ژئوپلیتیک در قرن ۲۱ سخن به میان آورده اند (عزتی، ۱۳۸۳: ۲۵۱) به عبارت دیگر، با ظهور عصر ژئواکونومی، کانون ها و مسیرهای تجاری بیش از گذشته مورد توجه کشورها قرار گرفته است. (خلیلی و دیگران، ۱۳۹۰: ۸۷). بدون تردید یکی از متغیرهای موثر در شکل گیری خط مشی سیاست خارجی و همچنین مباحث استراتژیک و سیات دفاعی هر کشور، محیط منطقه ای و ابعاد مختلف آن است اگرچه امروزه منافع ملی کشورها مهم ترین معیار برای تصمیم گیری سیاسی است، اما باید در نظر داشت که منافع ملی واقع بینانه در ارتباط با ظرفیت و اقدام دولت ها تعریف می شود. ایران با دسترسی به تمام مناطق اطراف و دالان های عبوری، فرصت های جدیدی برای گسترش ارتباطات با کشورهای همسایه خود در اختیار دارد (همان: ۹۰). سواحل جنوب شرق ایران به لحاظ جایگاه نظامی می تواند در اتخاذ استراتژی های مجری نقش ویژه ای برای ایران ایفا نماید و آن را از توان و قابلیت تحرک میان اقیانوسی در فعالیت های نظامی برخوردار نماید. ایران از طریق عرصه آبی عمان می تواند به یک قدرت نظامی با حوزه عملکرد میان اقیانوسی تبدیل شود و از حوضچه خلیج فارس خود را بیرون بکشد چرا که حوضچه خلیج فارس امکان تبدیل شدن ایران به یک قدرت دریایی راهبردی را فراهم نمی کند ولی دریای عمان و اقیانوس هند چنین امکانی را برای ایران فراهم می کنند. برگزاری رزمایش دریایی قوای نظامی ایران در آذرماه ۱۳۸۴ که اولین رزمایش دریایی ایران در خارج از آب های خلیج فارس بوده مقدمه ای برای این مهم بود. همچنین وجود پایگاه هوایی چابهار و توسعه آن می تواند قدرت نظارتی و کنترلی ایران را بر بخش شمالی اقیانوس هند افزایش دهد. (حافظ نیا و رومینا، ۱۳۸۴: ۱۳). مرزهای آبی کرانه های عمان و تسلط بر یکی از مهم ترین و استراتژیک ترین راه های آبی جهانی، کنترل ایران را در مبادی ورودی خلیج فارس و اقیانوس هند تضمین می نماید و از طریق تجمیع منافع دیگران، در این ارتباط به تولید امنیت از طریق همکاری های بین المللی، هزینه تأمین امنیت این منطقه را بر عهده دیگران قرار می دهد (همان: ۱۴). دریای عمان جزء حوزه استراتژیک اقیانوس هند بوده که به عنوان یکی از ۵ حوزه استراتژیک شناخته می شود و روزانه میلیون ها بشکه نفت و حجم

وسیعی از کالا و سرمایه از طریق آن مبادله می شود. ایران در سواحل و آب های جنوب شرق دارای عمق استراتژیک ویژه ای است که توان ایران را در برخورداری با چالش های ژئواستراتژیک ارتقا می دهد. در تفکر استراتژی سنتی ایران صحنه عملیات دشمن فرضی در خلیج فارس می باشد. چنانچه صحنه عملیاتی ایران قبل از ورود به خلیج فارس یعنی دریای عمان طراحی گردد، توان استراتژیک ایران قبل از ورود به خلیج فارس قرار خواهد گرفت. همچنین ایران توان طراحی یک صحنه عملیاتی بزرگ یکجانبه و حتی چندجانبه با کمک پاکستان، هندوستان، عمان و امارات در برابر تهدیدات موجود و مفروض قدرت های فرامنطقه ای حاضر بویژه ایالت متحده آمریکا را دارد. فقدان چنین سازه عملیاتی است که ایالت متحده آمریکا قدرت مانور در خلیج فارس را پیدا کرده است. (همان: ۱۵). استراتژی دریایی نقش اساسی سیاست دریایی را مشخص می سازد توجه به دریا و مسایل و توسعه آن نقش اساسی در توسعه منطقه ای و پایدار دارد و دولت ها همیشه در تلاش بوده اند به نحوی به دریا دسترسی داشته باشند. جمهوری اسلامی ایران به دلیل نداشتن استراتژی دریایی و داشتن سیاست بری یا خشکی در برنامه ها هنوز نسبت به توسعه قلمرو دریایی و جزایر و بنادر آن بی توجهی دارد و آثار این غفلت در جزایر و بنادر مشهود است. (کامران، ۱۳۸۱: ۵۸۶). استراتژی ملی دریایی هنر و علم به کاربرد هماهنگ عناصر قدرت دریایی کشور برای دستیابی به هدف های ملی بخش دریایی در تمام شرایط و در زمان جنگ و صلح است. دریا سالار ماهان ابلاغ کننده استراتژی دریایی در اوایل قرن بیستم می گوید: اقیانوس های کره زمین حبابهای پر آب هستند که ۳/۴ جدار زمین را پوشانده اند هر کشور و یا ائتلافی از کشورها که قدرت فرماندهی بر این دریاهای بزرگ را داشته باشد می تواند ثروت دنیا را کنترل کند و از این طریق بر کره زمین مسلط شود. به طوری که آلفرد تایلر ماهان شرط اصلی برای اتحاد یک قدرت جهانی را کنترل بر دریاهای می داند به عبارت دیگر نظارت بر دریاهای اولین قدم در راه کسب قدرت برتر جهانی است به نظر وی در نزاع بین قدرت ها نیروهایی که در موقعیت دریایی قرار دارند از امکانات بیشتری برای در دست گرفتن ابتکار عمل برخوردار هستند (کامران، ۱۳۸۱: ۵۹۲-۵۹۲).

۵. نتیجه گیری:

نیروی نظامی راهبردی، نیرویی است که حتی در زمان صلح و بدون درگیری نظامی با کشور تهدیدکننده منافع ملی، سعی در اشاعه و گسترش تسلط خود بر وی و رفع هرگونه تهدیدی در این خصوص را داشته باشد. از همین رو، ماموریت نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران پس از تبیین آن به عنوان یک نیروی راهبردی و همچنین از آنجا که علاوه بر تامین اهداف نظامی (منافع ملی)، مسئولیت بسیاری از مسائل که حوزه های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و تبلیغاتی در صحنه های داخلی و خارجی به این نیرو واگذار شد، بسیار دشوارتر و حساس تر از گذشته شده است.

نیروی دریایی راهبردی به نیروی دریایی اطلاق می شود که قادر است:

۱. در محدوده آب های عمیق اقیانوسی عملیات انجام دهد به گونه ای که بتواند به تنهایی خود را از گزند تهدیدهای سطحی، زیرسطحی و هوایی حفظ کند.
۲. به لحاظ پشتیبانی لجستیکی تامین باشد.
۳. محدودیتی برای اجرای عملیات در عمق (عملیات در دور دست) نداشته باشد. و یا به تعبیری ساده تر، نیروی دریایی راهبردی نیرویی است که از منافع ملی کشور در منطقه حیاتی یا حساس (دریایی) صیانت کند.

علاوه بر این رشد و توسعه اقتصادی و سیاسی ایران و افزایش مبادلات آن و نیز چالش های جهانی همانند حفاظت از محیط زیست در عرصه دریاهای قاجاق مواد مخدر و پدیده دزدان دریایی این نیاز را به وجود آورده است که کشور ما در عرصه دریایی در محدوده بسیار پهناورتری نسبت به قبل عمل کند تا علاوه بر حفاظت از منافع خود با مشارکت در مواجهه و حل مشکلات پیش گفته توانایی و ظرفیت خود را در ایفای نقش به عنوان یک قدرت جهانی و مسئول به نمایش گذاشته و بر وجهه ملی، اقتدار و عزت خود در مجامع بین المللی بیفزاید. البته باید توجه داشت که فعالیت در عرصه های به این گستردگی، در چنین فاصله ای نسبت به سرزمین اصلی، با شرایط هوایی کاملاً متفاوت و سهمگین و رقیبانی قدرتمند نیاز به تغییر کامل دید مسئولین و نحوه و میزان پشتیبانی از قدرت دریایی کشور، به خصوص بخش نظامی آن دارد و حضور و عمل در چنین عرصه ای مستلزم در اختیار داشتن و به کارگیری ناوگان قدرتمند و سنگین سطحی، زیرسطحی و یگان های هوایی با تکنولوژی روز، افزایش سطح همکاری های سیاسی و نظامی با کشورهای واقع در سواحل دریای جنوب و اقیانوس هند و استفاده از تسهیلات بندری آنها جهت یگان های نظامی و نیز تغییر دید کامل نسبت به صنایع دریایی در داخل کشور است به نحوی که این صنایع بتوانند نیازمندی های ناوگان های نظامی و غیرنظامی کشور را مطابق با استانداردهای روز دنیا تأمین کنند. در چنین شرایطی است

که می‌توان با تغییر قدرت نظامی دریایی کشور از یک قدرت منطقه‌ای به یک قدرت فرامنطقه‌ای و راهبردی از منافع کشور در سطح جهان دفاع کرد، خطوط مواصلاتی و تدارکاتی کشور را همیشه باز نگه‌داشت و از تهدید دشمن مصون داشت و از تأمین نیازمندی‌های کشور در تمام شرایط اطمینان یافت و همچنین با تهدیدات دشمن در فواصل دور مقابله کرد و با ایجاد توان تهدید متقابل منافع دشمنان در سطح اقیانوس‌ها و دریاها، از یک بازدارندگی مطمئن برای کشور برخوردار شد (www.hamshahronline.ir). بنادر چابهار و جاسک و کنارک در سواحل دریای عمان نقش چندانی در بیلان حمل و نقل دریایی کشور ندارند، به ویژه اینکه در صدور نفت هیچ نقشی بازی نمی‌کنند، البته ایران می‌تواند با انتقال مواد نفتی و گاز به وسیله لوله به شرق تنگه هرمز و فعال کردن و توسعه بنادر در سواحل دریای عمان از وابستگی خود به تنگه هرمز بکاهد (حافظ نیا، ۱۳۸۴: ۲۵۴). با توجه به جایگاه و موقعیت مرکزی جمهوری اسلامی ایران در دریای خزر و خلیج فارس تدوین استراتژی دریایی در خلیج فارس یا محوریت دریا و در برنامه‌های حایز اهمیت و ترسیم اهداف، سیاست خارجی و راهبردی کردن آنها در مقاطع مختلف ضروری و با اهمیت است. مطالب ذیل جهت رشد مسایل دریایی پیشنهاد می‌گردد:

۱. ایجاد وزارت دریاداری به گونه‌ای که بتواند عناصر و تشکیلات دریایی را به سمت دستیابی به اهداف استراتژی دریایی ملی هدایت کند؛
۲. داشتن یک نیروی دریایی قدرت مند؛
۳. برخورداری از تسهیلات موثر بنادر تجاری؛
۴. خودکفایی در تشکیلات، تعمیر و نگهداری؛
۵. خودکفایی در ساخت یگانهای شناور رزمی و تجاری؛
۶. خودکفایی در بهره برداری از منافع اقتصادی دریایی؛
۷. خود کفایی در تربیت و آموزش های تخصصهای دریایی؛
۸. تهیه طرح جامع بنادر؛
۹. اقتصاد توسعه دریا؛ (کامران، ۱۳۸۱: ۵۹۵)

۶. منابع:

۱. احرارودی، محی الدین، موسوی حرمی، سیدرضا، لک، راضیه، معتمد، احمد، محبوبی، اسداله؛ بررسی زیست محیطی-رسوب شناسی مناطق ساحلی دریای مکران (جنوب استان سیستان بلوچستان)، فصلنامه زمین شناسی کاربردی، شماره چهارم، سال (۱۳۹۰) ۷.
۲. حافظ نیا، محمدرضا، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، انتشارات پاپلی ۱۳۸۴
۳. حافظ نیا، محمدرضا، کاویانی، مراد؛ افق های جدید در جغرافیای سیاسی، انتشارات سمت ۱۳۸۳
۴. حافظ نیا، محمدرضا، رومینا، ابراهیم؛ تحلیل ظرفیت های ژئوپلیتیک سواحل جنوب شرقی ایران در راستای منافع ملی (فضای مورد غفلت) مجله جغرافیا و توسعه، پاییز و زمستان ۱۳۸۴
۵. حافظ نیا، محمدرضا؛ نقش استراتژیک خلیج فارس و تنگه هرمز، انتشارات سمت ۱۳۸۴
۶. خلیلی، محسن، منشادی، مرتضی، آزموده، فهیمه؛ بایستگی های ژئواکونومیک توسعه منطقه جنوب شرق ایران، فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۰
۷. رنجبر، مقصود، خلاصه نویسی: آجورلو، حسین؛ منافع ملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران
۸. روزنامه کیهان
۹. عزتی، عزت الله؛ جایگاه خاورمیانه در تحولات ژئوپلیتیک قرن ۲۱ با تکیه بر خلیج فارس جمهوری اسلامی ایران، تهران، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر ایران ۱۳۸۳
۱۰. کامران، حسن؛ جایگاه سیایت دریایی در جمهوری اسلامی ایران، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، زمستان ۱۳۸۱.
۱۱. مجتهد زاده، پیروز؛ جغرافیا سیاسی و سیاست جغرافیایی، انتشارات سمت ۱۳۸۶
۱۲. وفایی زاده، محمدرضا؛ بررسی عوامل موثر در برنامه ریزی استراتژیک در صنایع دریایی ایران، پابان نامه کارشناسی ارشد ۱۳۷۱
۱۳. www.hamshahrionline.ir

- www.tufannews.com .۱۴
www.sid.ir .۱۵
www.irandoc.ir .۱۶
www.noormagz.ir .۱۷
www.aja.ir .۱۸